

## Dimensions of the impact of Shia resistance discourse on Salafi groups in West Asia

**Ali Hajiee** PhD student of political science, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran.  
Email: [Ali.hajiee@yahoo.com](mailto:Ali.hajiee@yahoo.com)

**Ali Ghasemian\*** Corresponding author, Assistant Professor, Department of Political Science, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran. Email: [Ali.ghasemiyan01@gmail.com](mailto:Ali.ghasemiyan01@gmail.com)

**Ali Fallahnejad** Assistant Professor, Department of Political Science, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran. Email: [Ali.falahnejhad@gmail.com](mailto:Ali.falahnejhad@gmail.com)

### Article Info

#### Article Type:

Reserch Article

#### Keywords:

Iran's Islamic  
Revolution,  
Shia Resistance-  
Discourse,  
Salafism,  
Political Salafism,  
Security Environment

### ABSTRACT

The political Salafists are a group that after the reforming actions of the neo-Salafists and following the special conditions of the Middle East region; were created and used different methods to gain power, which, in conflict with the discourse of Islamic resistance, created a special security environment for West Asian countries. What is the relationship between the roots of political Salafism in the Middle East and the discourse of Islamic resistance? which this article seeks to answer with a descriptive-analytical approach and with the application of practical considerations and in the form of the Copenhagen theoretical framework. The findings of the research show that the impact of political development and the discourse of Shiite resistance created a special security environment in West Asia, and Salafism and its dimensions and types have been a kind of security response for countries and political currents. As a result of the development of the discourse of Shia resistance in Iraq, South Lebanon and Yemen, it has caused the reproduction of various currents of Salafism, which, in conflict with this discourse, has not yet been able to become a coherent development and create a dominant discourse, and has caused some aspects of the weakening of the security environment. For West Asia, it has expanded.

**Cite this Article:** Hajiee, A. , Ghasemiyān, A. and Falahnejhad, A. (2024). The dimensions of the impact of Shiee resistance discourse on Salafi groups in West Asia. *International Relations Researches*, 14(2), 275-297. doi: 10.22034/irr.2023.408551.2419



© Author(s)

**Publisher:** Iranian Association of International Studies

**DOI:** 10.22034/irr.2023.408551.2419



## ابعاد تأثیر گفتمان مقاومت شیعی بر گروه‌های سلفی در غرب آسیا

علی حاجی‌ئی دانشجوی علوم سیاسی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران.

ایانامه: [Ali.hajjee@yahoo.com](mailto:Ali.hajjee@yahoo.com)

علی قاسمیان\* نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم سیاسی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران.

ایانامه: [Ali.ghasemian01@gmail.com](mailto:Ali.ghasemian01@gmail.com)

علی فلاح‌نژاد استادیار گروه علوم سیاسی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران.

ایانامه: [Ali.falahnejhad@gmail.com](mailto:Ali.falahnejhad@gmail.com)

چکیده	درباره مقاله
<p>سلفی‌های سیاسی، گروهی هستند که بعد از اقدامات اصلاح‌گرانه نوسلفی‌ها و به دنبال شرایط خاص منطقه خاورمیانه؛ ایجاد شدند و به هدف کسب قدرت از روش‌های مختلف استفاده نمودند که در تعارض با گفتمان مقاومت اسلامی، محیط امنیتی خاصی را برای کش. رهای غرب آسیا ایجاد نمودند. چه رابطه‌ای بین ریشه‌های سلفی‌گری سیاسی در خاورمیانه با گفتمان مقاومت اسلامی وجود دارد؟ که این مقاله با رویکردی توصیفی — تحلیلی و با کاربست ملاحظات کاربردی و در قالب چارچوب نظری کپنهاگ، در پی پاسخگویی به آن است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تأثیر توسعه سیاسی و گفتمان مقاومت شیعی، محیط امنیتی خاصی را در غرب آسیا ایجاد نمود، که سلفی‌گری و ابعاد و انواع آن، نوعی پاسخی امنیتی برای کشورها و جریان‌های سیاسی بوده است. در نتیجه توسعه گفتمان مقاومت شیعی در عراق، جنوب لبنان و یمن، باعث بازتولید جریان‌های متنوعی از سلفی‌گری شده است که در تعارض با این گفتمان، تاکنون نتوانسته است، به توسعه منسجم و ایجاد گفتمانی غالب تبدیل گردد و ابعادی از تزلزل محیط امنیتی را برای غرب آسیا، گسترش داده است.</p>	<p><b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی</p> <p><b>کلیدواژه‌ها:</b> انقلاب اسلامی ایران، گفتمان مقاومت شیعی، سلفی، سلفی سیاسی، محیط امنیتی</p> <p><b>تاریخچه مقاله</b> تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۷</p>

استاد به این مقاله: حاجی‌ئی، علی، قاسمیان، علی و فلاح‌نژاد، علی. (۱۴۰۳). ابعاد تأثیر گفتمان مقاومت شیعی بر گروه‌های سلفی در غرب

آسیا. پژوهش‌های روابط بین الملل، ۱۴(۲)، ۲۷۵-۲۹۷. doi: 10.22034/irr.2023.408551.2419

© نویسنده (گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین الملل





پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سبب تحولی بنیادین در منطقه راهبردی غرب آسیا شد و معادلات نظام بین‌الملل را از هم گسست. انقلاب اسلامی در دهه ۵۰ و انقلاب‌های عربی دهه ۹۰ شمسی، در مسیری توسعه به سود روشنگری در این منطقه بوده است. در کشورهای عربی نیز برخی گروه‌های شاخص مثل سلفی‌ها ظهور کردند. سلفی‌گری دو رکن اساسی دارد، یکی بازگشت به شیوه زندگی و مرام سلف صالح و در نهایت سنت حجاز و به خصوص سنت اهل مدینه در ۱۴۰۰ سال پیش، و دوم مبارزه با بدعت، یعنی هر چیزی که سلفی‌ها جدید و خلاف سنت می‌دانند. سلفی‌های معاصر، بر معنی خاصی از توحید تأکید زیادی دارند که باعث می‌شود افراد بسیاری «نامعتقد» به آن تلقی گردند. سلفی‌گری دارای ابعاد مذهبی، فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی است و تأثیری بنیادین بر متفکران مسلمان در گوشه و کنار جهان اسلام گذاشته است. (علی زاده موسوی، ۱۳۹۱، ۸)، بنابراین شناسایی انواع گروه‌های سلفی، راهگشای این تحقیق به سمت یافتن ریشه‌های سلفی سیاسی در خاورمیانه و نوع گفتمان آن‌ها می‌باشد. در همین راستا برخی تحقیقات انجام شده است. فرمانیان (۱۳۸۸) در تحقیق خود با عنوان گرایش‌های فکری سلفیه در جهان امروز؛ با توجه به تقسیم‌بندی ایدئولوژیک گروه‌های سلفی و تحلیل حوزه‌های عملکردی آنها، به این نتیجه می‌رسد که ایجاد سلفی‌گری سیاسی بعد از سلفی‌گری نظامی، باعث ناهنجاری سیاسی در این گروه شده است. عدالت‌نژاد و نظام‌الدینی (۱۳۹۰) در تحقیق خود با عنوان سلفیان تکفیری یا الجهادیون؛ ضمن تحلیل منشاء این گروه و علل توسعه آنها در جهان، به این نتیجه می‌رسد که ساختار خاص فکری گروهی از اهل سنت، از مبانی پیدایش این گروه است که امکان توسعه فکری آنها با توجه به حذف اجتهاد، امکان پذیر نمی‌باشد. علیزاده موسوی (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان سلفی‌گری و وهابیت، ضمن بررسی وجه تمایز و تشابه سلفی و وهابی‌گری، به این نتیجه می‌رسد که ساختار عقیدتی وهابیت، یکی از مهمترین عوامل توسعه سلفی‌گری تبلیغاتی شده است، که گروهی از این سلفی‌ها به سمت عملیات نظامی و به اصطلاح جهادی، روی آورده‌اند. بنابراین چشم انداز این تحقیقات نوعی گفتمان خاص سلفی‌گری را ایجاد و تبیین نموده است که محیط امنیتی خاصی را در غرب آسیا و متأثر از گفتمان انقلاب اسلامی ایجاد نموده است.

بسیاری از اندیشمندان روابط بین‌الملل بر این باورند که بحث در خصوص جایگاه امنیت در سیاست خارجی کشورها یکی از مباحث مهم در درک روابط بین‌الملل محسوب می‌گردد. پایان جنگ سرد، شکل‌گیری نظم نوین جهانی، ظهور بازیگران فراملی و فرادولتی، روند جهانی شدن و ... موجب شد تا



بعثتی کاوشگرانه پیرامون مطالعات امنیتی و چستی آن مطرح گردد. بویژه آنکه فروپاشی رقابت میان آمریکا و شوروی در قالب جنگ سرد، ضمن آنکه ادبیات سیاسی و امنیتی را دگرگون کرد بلکه اکنون، فرصت تازه‌ای به منظور بسط مطالعات امنیتی را خارج از محدوده و چارچوب تنگ منازعه دو ابر قدرت فراهم آورده است. آگاهی و اشراف بر مبحث «امنیتی» امری ضروری بوده و از آنجایی که منطقه آسیای غربی و خلیج فارس اهمیت زیادی دارد یکی از دغدغه‌ها و نگرانیهای کشورهای حاضر در منطقه و البته قدرتهای فرامنطقه ای می‌باشد (مظاهری، ۱۳۹۸:۸۸). به جرأت می‌توان گفت هیچ تحول و دگرگونی در سطح نظام بین الملل و منطقه - اعم از جنگ اعراب و اسرائیل، بحران‌های نفتی، پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فروپاشی شوروی و نظام دوقطبی، جنگ‌های اول و دوم خلیج فارس، نتوانستند همانند تحولات پس از سال ۱۳۹۰ بر محیط سیاسی، امنیتی و اجتماعی منطقه غرب آسیا و خاورمیانه تأثیر بگذارد؛ به نحوی که می‌توان گفت در پی افزایش خشونت و جنگهای داخلی و افزایش مداخلات قدرتهای خارجی در بحرانهای منطقه در حال تغییر است و این تغییر در حوزه‌های مختلف ژئوپلیتیکی، ایدئولوژیکی و سیاسی - امنیتی در حال وقوع می‌باشد.

با مطالعه سیر این وقایع می‌توان گفت آوردگاه راهبردی غرب آسیا در فضای پسا انقلاب اسلامی در ایران، به دو محور سازش و مقاومت نه تنها در موضوع مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین بلکه در تمامی مسائل تقسیم شده بود. جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری کانونی در اتحاد با سوریه، حزب الله، حماس، انصارالله و در پاره‌ای موارد عراق، محور مقاومت را تشکیل می‌داد. در محور سازش نیز، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، اردن و مصر در اتحاد با ایالات متحده قرار داشتند (قاسمی، ۱۳۹۷، ۶). از آنجایی که به طور مشخص تحولات منطقه مزبور همواره تحت تأثیر منازعات ایدئولوژیک (شیعی - سنی) بوده است، دامنه این منازعات موجب شکل گیری دو گروه از معارضین (محور غربی - عربی - عبری) و جریان مقاومت (شیعی) شده است (زرقانی و احمدی، ۱۳۹۶، ۳). در واقع مخالفان قدرت یابی شیعیان در تلاشند تا با مفهوم پردازی‌هایی از شیعه در قالب گفتمان شیعه هراسی، خطر سیطره شیعیان بر آوردگاه راهبردی غرب آسیا و کشورهای راهبردی همچون سوریه، عراق و یمن را برجسته و مفهوم سازی کنند؛ بازخوانی شرایط محیطی و پیرامونی و ارائه بازتعریف و خوانش دقیق تحولات منطقه‌ای و بین المللی امر مهمی محسوب می‌گردد.

تحقیقات مرتبط با ابعاد امنیتی گفتمان انقلاب اسلامی نیز قابل توجه می‌باشد. بوزان (۱۳۹۰)، در تحقیق خود بیان داشت که هر منطقه‌ای فرمول امنیتی ویژه خود را دارد و شیوه حل منازعه بین مناطق، از یکی



به دیگری قابل تعمیم نیست و مقولاتی چون تداخل جریانهای قومی، ملی، دینی، مذهبی و بین‌المللی با سرعت و به سهولت، غرب آسیا را نظاره‌گر نزاع‌های خونین ساخته است. این امر، در کنار سایر نظرات بوزان، منبع مفیدی در بخش چارچوب نظری مقاله است. دبیری مهر (۱۳۹۶)، در کتاب «مؤلفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در خاورمیانه» در صدد شناسایی مؤلفه‌های فرهنگی مقاومت اسلامی در آسیای غربی و بنیانهای دیرپای آن برآمده است. محدوده پژوهش شامل حوزه‌های ایران، عراق، لبنان و فلسطین بوده و مبنای پژوهش بر تجزیه و تحلیل سخنرانیها، بیانیه‌ها و مقالات رهبران فکری و معنوی گفتمان اسلامی گذاشته شده است.

ضرورت تحقیق از انجا ناشی می‌گردد که با یافتن ریشه‌های سلفی‌گری سیاسی، در منطقه خاورمیانه، اولاً سایر انواع سلفی و تفکیک آنها از یکدیگر تسهیل می‌گردد و ثانیاً تکفکیک گفتمان غالب آن در مقایسه با گفتمان انقلاب ایران، در مباحث امنیتی، هویدا می‌گردد. بر این اساس بررسی جایگاه اسلام سیاسی در تکوین نظام امنیتی منطقه غرب آسیا و چگونگی مواجهه جمهوری اسلامی ایران با آن، پدیده جدیدی در ادبیات موضوع است. چه رابطه‌ای بین ریشه‌های سلفی‌گری در خاورمیانه با گفتمان مقاومت اسلامی وجود دارد؟ که این مقاله با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با کاربست ملاحظات کاربردی در پی بررسی آن است و در قالب چارچوب نظری کپنهاگ، به بررسی این موضوع پرداخته است.

### ۱. رهیافت نظری مکتب کپنهاگ

مکتب کپنهاگ، در مطالعات امنیتی یک مکتب فکری که توسط بوزان و همکاران در ۱۹۸۳، ارائه شده است. این مکتب، امنیت را موضوعی بیناذهنی تلقی می‌کند، به این معنا که امنیت می‌تواند میان بازیگران امنیتی و مخاطب وی ایجاد شود بنابراین، چنانچه بازیگر امنیتی ساز، پدیده‌ای را امنیتی نماید و مخاطب آن نیز آن را بپذیرد، آن پدیده امنیتی شده است. (ستوده و کیانی، ۱۳۹۷، ۱۳۸). بوزان، مجموعه امنیتی منطقه‌ای را مجموعه‌ای از دولتها تعریف می‌کند که برداشتها و نگرانیهای امنیتی آنها به قدری به یکدیگر مرتبط هستند که معضلات امنیتی آنها جدای از دیگر دولتهای مجموعه به صورت منطقی قابل تجزیه و تحلیل و حل و فصل نیست. تعاملات میان دولتها در مناطق امنیتی به عنوان وابستگی متقابل امنیتی عمیقاً ریشه دار و با دوام در یک گروه بندی جغرافیایی منسجم توصیف می‌شود. بوزان جهت پایداری مجموعه‌های امنیتی مناطق وجود چند عنصر را حیاتی می‌داند که این عوامل عبارتند از: اول، وابستگی متقابل که در چارچوب مجموعه امنیتی، شبکه‌ای از روابط امنیتی شدید میان برخی از کشورهاست که



امنیت آنها را بهم پیوند زده و امنیت آنها را از سایرین جدا کرده است. دوم، الگوهای دوستی و دشمنی است که تعاملات تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی میان دولتها بر اساس طیفی میان دوستی و دشمنی قرارداد. سوم، همسایگی است که مجاورت سرزمینی از نظر بوزان برای موجودیت یک مجموعه امنیتی ملاک ارزشمندی است و دو نتیجه مهم را در پی خواهد داشت. اول اینکه می‌تواند از حضور و نفوذ قدرتهای بزرگ فرامنطقه‌ای در کشورهای همسایه جلوگیری کند، دوم هیچ نگرانی از حضور نظامی مستقیم دولت همسایه و تجاوز به مرزهای سرزمینی نخواهد داشت. چهارم، وجود حداقل دو بازیگر مؤثر و در نهایت فرهنگ، نژاد و قومیت (بوزان، ۱۳۹۰، ۴۲).

بر این اساس، طبق گفته بوزان و پنج اصل وی، غرب آسیا به عنوان منطقه‌ای تعریف می‌شود که دچار تعارض همیشگی است. عوامل فوق، میزان ثبات و پایداری روابط میان بازیگران مجموعه امنیتی ایران و محور مقاومت را تشدید کرده است. به عنوان مثال عراق برای ایران حائز اهمیت است چرا که شکست شیعیان مساوی با گسترش نفوذ و حضور امریکا و داعش در نزدیکی مرزهای ایران است و با توجه به موقعیت ژئواستراتژیک سوریه (نقطه اتصال سه قاره) و موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک ایران و عراق سه کشور از نقش مهم و تاثیرگذاری در ترتیبات منطقه‌ای برخوردارند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، همکاری‌های ویژه‌ای میان شیخ نشین‌های عرب خلیج فارس شکل گرفت. جهت گیریهای خاص غرب گرایانه، منازعات قومی و رقابتهای مذهبی شکل گیری دو طیف مستقل در منطقه را موجب شد. بدین ترتیب غرب آسیا دارای دو زیر مجموعه امنیتی مجزا بر اساس بنیادهای فرهنگی، مذهبی و قومی گردید.

## ۲. سلفی‌گری سیاسی در خاورمیانه

در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم احمد بن تیمیه و سپس شاگردان ابن قیم الجوزیه عقاید حنابله را به گونه‌ای افراطی‌تر احیا کردند. ابن تیمیه به عنوان متکلم و مدافع متعصب مذهب حنبلی، با آزاداندیشی و تأویل مخالف بود و لذا اقداماتش بیش از پیش باعث انحطاط و عقب ماندگی مذهب حنبلی شد. عصر ابن تیمیه، دوره انحطاط و تنزل تفکر فلسفی و استدلال منطقی و همچنین قرن روی آوردن به ظواهر دین و توجه سطحی به معارف خشک و مذهبی عنوان شده است. در واقع، در این عصر «فقها و متکلمان قشری بعضی مذاهب - مانند مذهب حنبلی - به عنوان دفاع از دین و عقاید خاص مذهبی خود، به توجیه اصول و فروع مذهب خود پرداختند و احیاناً در این راه بر ضد علم و فلسفه قیام کردند. ابن تیمیه یکی از این کسان بود که در مذهب حنبلی قیام کرد. وی به عنوان دفاع از آن مذهب،

مبارزاتی با مذاهب دیگر اسلامی می‌کرد و عقاید خود را به عنوان زنده کردن عقاید مذهب حنبلی در بسیاری از کتابهای خود بیان کرد (وهبه، بی تا، ۱۷) احمد بن تیمیه، که یکی از بنیانگذاران سلفی به پیروی از حنبلی<sup>۱</sup>، بود؛ اعتقاد داشته که هر عملی که در زمان پیامبر (ص) وجود نداشته و انجام نمی‌شده است، بعداً نیز نباید انجام شود. و از این اصل کلی سه قاعده دیگر استخراج و استنتاج کرده است: «هیچ فرد نیکوکاری یا دوستی از دوستان خدا را نباید وسیله‌ای برای نزدیک شدن به خدا قرار داد، به هیچ زنده یا مرده‌ای پناه نباید برد و از هیچ کس نباید یاری خواست، به قبر هیچ پیغمبر یا فرد نیکوکاری نباید تبرک جست یا تعظیم کرد.» (علیزاده موسوی، ۱۳۹۲، ۱۳)

بنابراین اصول کلی مثل عمل کردن به اموری که در زمان پیامبر مرسوم نبوده، راهی واضح و آشکار در میان سلفی‌ها محسوب می‌گردد که به واسطه آن شیعیان و بسیاری از مذاهب اسلام از یکطرف و سایر ادیان و گروهها، تکفیر می‌شوند و مستحق ترور و یا کشته شدن می‌گردند و این مساله ریشه بسیاری از افکار سلفی و اغفال بسیاری از مردم عادی و توسعه و رشد عقاید سلفی در خاور میانه می‌گردد.

در تاریخ معاصر، دست کم سه گونه سلفی‌گری قابل تفکیک است. سلفی‌گری ظاهراً گرا، پیرو آرای اهل حدیث و بخصوص ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب است. سلفی‌گری جدید، رویکردی متمایز از سلفی‌گری ظاهرگراست که در آغاز قرن بیستم و در واکنش به پیشرفت‌های غرب توسط سید جمال‌الدین اسدآبادی و محمد عبده با هدف آزادسازی امت اسلام از تقلید و جمود و احیای اخلاقی، فرهنگی، و سیاسی بنیان‌گذاری شد (اسپوزیتو، جان. آل، ۱۳۸۲، ۱۳). پس سلفیان بر بازگرداندن تفکر اسلامی به اصل خالص آن، تبعیت از قرآن و سنت، مردود دانستن تفسیرهای جدید، و حفظ اتحاد امت اسلامی تأکید دارند. آنان تقلید را نفی می‌کنند و تلاش می‌کنند سازگاری اسلام و دانش جدید را نشان دهند. مشهورترین گروه‌های الهام گرفته از سلفی‌گری، اخوان‌المسلمین و جماعت اسلامی هستند. در اواخر قرن بیستم، این اصطلاح به اصلاح‌گران سنت‌گرا اطلاق می‌گردد. (علی زاده موسوی، ۱۳۹۱، ۹) ایدئولوژی جهادگرایی سلفی، الهام بخش بسیاری از گروه‌های مسلح مانند القاعده در آغاز قرن ۲۱ بوده است. این گروه‌ها دیدگاه‌های سلفی‌گری علمی (سلفی‌گری سنتی) را رد کرده و خشونت را راهی مناسب و ضروری برای مقابله با حملات غرب علیه اسلام می‌دانند. این گروه‌ها متون اسلامی و تاریخ را باز

۱ - آنچه مسلم است، احمد بن حنبل بیش از صدوپنجاه سال پیشوای عقاید سنتی - سلفی بود، اما «به طور کلی قشری بودن، متابعت از ظاهر کلام، جمود افکار، تعصب مفرط حنبلیان، دورافتادگی مکتب فقهی ایشان از واقعیت زنده تاریخی و مهجوری از هر آنچه در اجتماع و زندگی روزمره تازه بود، در مجموع، منجر به سقوط و انحطاط این مذهب و کم طرفداربودن این فرقه شد (وهبه، بی تا، ۲۱).



تفسیر نموده و بر آیات نظامی قرآن و تاریخ نظامی اسلام تأکید بسیار دارند. تخمین زده شده است که سلفی‌های جهادی کمتر از یک درصد کل جمعیت مسلمانان را تشکیل می‌دهند. از طرفی آنها ارتباط نزدیکی با وهابیت و خاندان آل سعود دارد (اسپوزیتو، جان. آل، ۱۳۸۲، ۱۵) بنابراین یکی از ریشه‌های سلفی‌گری، بازگشت به آیات نظامی قرآن و تاریخ نظامی اسلام از یکطرف و حمایت برخی کشورها مثل آل سعود، که در قرن دوازدهم هجری قمری، محمدبن عبدالوهاب نجدی (۱۲۰۶-۱۱۱۵. ق) با طرح مجدد ادعای بازگشت به اسلام اصیل، اندیشه پیروی از سلف صالح را بار دیگر به عرصه مناظرات کلامی آورد. او با استناد به «بدا الاسلام غریبا و سيعود غریبا» معتقد بود که اسلام اصل نخستین را در غربت یافته است؛ از این رو، وی با آنچه خود آن را بدعت و خلاف توحید می‌خواند، به مبارزه برخاست و مسلمانان را به سادگی اولیه دین و پیروی از سلف صالح دعوت می‌کرد و مظهر بارز سلف صالح او نیز امام احمدبن حنبل بود، که در واقع سلفی‌گری را در راستای منافع خود، استفاده نموده‌اند.

برخی از نویسندگان، سه عنصر را بین وهابیت و سلفی‌گری مشترک می‌دانند: اینکه همه بالندگی‌های پس از دو یا سه نسل اول اسلام (که به آن سلف صالح اطلاق می‌شود) را بی‌ارزش می‌دانند؛ تصوف را مردود می‌دانند؛ پایبندی به یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت را ضروری نمی‌دانند. (علی زاده موسوی، ۱۳۹۱، ۱۱). در واقع، در حالی که برخی دایره مکتب سلفی‌گری را چنان گسترده می‌کنند که همه اهل سنت را در بر می‌گیرد و سابقه آن را به صدر اسلام باز می‌گردانند و هر فرد را به دیدگاه‌های سلفی می‌خوانند، برخی دیگر آن را مترادف وهابیت دانسته و سلفی‌گری را دقیقاً وهابیت قلمداد می‌کنند. همچنین در عصر کنونی، جهان غرب نیز به جریان‌های غرب ستیز و مخالف خود، عنوان سلفی بخشیده و می‌کوشد طیف‌های اسلامی مخالف خود را در ردیف جریان‌های واپسگرا و سلفی معرفی نماید، تا هم مورد تهاجم تبلیغاتی و نظامی غربی‌ها قرار گیرند و هم به عنوان گروه‌های سلفی و افراطی، از سوی جهان اسلام طرد شوند. چنین وضعیتی موجب شده که در اطلاق سلفی و سلفی‌گری، دقت و معیار را همراه با خود نشان دهند، بسیاری از گروه‌های اسلامی غیرسلفی، در ردیف سلفی مصطلح قرار گیرند این در حالی است که، نه تنها میان سلفی‌گری و فرقه‌های کلامی و فقهی اهل سنت تفاوت‌های اساسی وجود دارد، بلکه

۱ - یکی از آثار عبدالوهاب، التوحید و مختصر سیره الرسول نام دارد. نهضت وی جنبه ضد حکومت عثمانی یافت و پس از آن که امرای سعودی نجد - که حنبلی مذهب بودند - به آیین او گرویدند، وی برای فرمانروایی عثمانی خطرناک گردید و لذا محمدعلی پاشا، خدیو مصر، از جانب سلطان عثمانی برای سرکوب آنان مأمور شد. اما علیرغم این سرکوب، با گذر زمان، پیروان محمدبن عبدالوهاب بر نجد و حجاز تسلط یافتند و دولت سعودی کنونی را تشکیل دادند (محمد، ۱۴۰۶ ه. ق، ۴۱)



درون سلف یگری نیز تضادها و تفاوت‌های بسیاری دیده می‌شود. از طرف دیگر، سلفی گری نیز در حوزه سیاست، به اجبار برخی تأثیرپذیری‌ها را از اندیشه‌های مدرن داشته است. مسائلی مانند حد و مرز حضور در سیاست، چگونگی تعامل با دولت، موضع‌گیری در برابر مخالفان درون دینی (مذاهب دیگر) و برون دینی (غیرمسلمانان)، شورا محوری و... برخی از این موارد است. برای نمونه، در حالی که برخی از سلفی‌ها تا هنگامی که حاکم اسلامی، به طور رسمی اظهار کفر نکرده باشد، تمکین از حاکم را لازم می‌دانند، برخی دیگر، به مبارزه با حاکم جائز معتقدند. (فرمانیان، ۱۳۸۸، ۱۷)

ماهیت اندیشه سلفی با افراط‌گرایی و بنیادگرایی ارتباط وثیق دارد. از همان ابتدا که ابن تیمیه و پس از وی محمد بن عبدالوهاب، مباحث توحید و شرک را مطرح کردند، مسلمانان زمان خود را مشرک خوانده و خون و مال و ناموس آنان را مباح اعلام کردند (علیزاده موسوی، ۱۳۸۹، ۲۵) در سال‌های اخیر، با توجه به رشد و گسترش ارتباطات میان طلاب و علمای سلفی با سایر مکاتب و مذاهب اسلامی، این رویکرد، دستخوش تحولاتی شده است که می‌توان آن‌ها را به اجمال در حوزه‌های زیر بررسی کرد: رویکرد افراط‌گرایانه و اندیشه‌های خشک سلفی، هرچند در قرون ۱۲ و ۱۳ قمری موجب گسترش جنبش سلفیه در سایه شمشیر شد، اما در نیمه دوم قرن بیستم و سال‌های نخستین قرن بیست و یکم، رفته رفته در میان گروهی از وهابیون، جایگاه و محبوبیتش را از دست داد. این گروه با اثرپذیری از اندیشه‌های اعتدال‌گرای جهان‌تسنن، که به برکت رشد و گسترش رسانه‌های جمعی به وجود آمده بود، قرائت معتدلی را در دل جریان تکفیری شکل دادند. قرائتی که میل به اعتدال بیشتری داشت، هرچند هنوز متأثر از جریانهای تکفیری بود. (عدالت‌نژاد و نظام‌الدینی، ۱۳۹۰، ۱۹).

در واقع ویژگی مهم سلفیه در حوزه روش‌شناسی، نقل‌گرایی مفرط است که ریشه در اندیشه‌های ابن تیمیه دارد. این‌گرایش، هرگونه عقل‌گرایی را به شدت مورد نقد قرار می‌دهد و به همین سبب نیز منکر علم کلام است؛ چه این که علم کلام، به عقیده وهابیها وارد مباحث عقلی می‌شود و این خروج از منهج سلف است. چنین رویکردی هرچند در سده‌های نخستین اسلام رشد کرد، اما به سبب معارضا با اندیشه‌های اسلامی به فراموشی سپرده شد، تا این که در قرن هفتم، ابن تیمیه و در قرن دوازدهم به وسیله محمد بن عبدالوهاب در حجاز و شاه‌ول‌الله دهلوی در شب‌هقاره هند، تجدید شد. نکته در خور تأمل آن که در سال‌های اخیر، بر اثر تعامل و آشنایی طلاب جوان و مستعد سلفی با مباحث عقل‌گرایانه، تمایل و گرایش به عقل‌گرایی افزایش یافته است، حتی در میان استادان جوان سلفی نیز چنین افرادی دیده می‌شود (البوطی، ۱۳۸۷، ۳۱). همان‌گونه که تبیین شد، سلفیه سنتی گرفتار عقاید افراطی شدید است. نوع نگاه آ



نها به مساله توحید و شرک و ایمان و کفر سبب شده که جمیع مسلمانان، کافر و مشرک شمرده شوند. این رویکرد نه تنها با مخالفت سایر مسلمانان روبه رو شده، بلکه مخالفت برخی از شخصیت‌ها در میان وهابی‌ها را هم برانگیخته است. این گروه که بر اثر آشنایی با عقاید مذاهب اسلامی و دیدگاه اسلام نسبت به موضوع ایمان و کفر، به انحرافات اندیشه وهابی در حوزه توحید و شرک و ایمان و کفر پی برده‌اند، رسماً به مقابله با این رویکرد تکفیری پرداخته‌اند (عابدی، ۱۳۹۰، ۴۵).

جهان اسلام، همواره شاهد حضور شخصیت‌هایی بوده است که آثار عمیقی بر اندیشه‌های مسلمانان گذاشته‌اند. سلفیه نیز از وجود چنین صاحبان اندیشه‌ای بی نصیب نمانده است. رشد و گسترش تفکرات شخصیت‌هایی همانند سلیمان بن عبدالوهاب و در عصر خود محمد بن عبدالوهاب؛ همچنین اندیشه‌های شخصیت‌هایی همانند سید ابوالاعلی مودودی و سید جمال الدین اسدآبادی؛ تغییرات عمده‌ای در این بینش شده است؛ اما در میان تمامی آنها، شاید اندیشه‌های سید قطب (و پس از وی برادرش محمد قطب) بیش از دیگران بر نگرش سلفیه، تأثیر داشته و جریان‌های خلف و ناخلفی را پدید آورده است. به این معنا که برخی به دیدگاه‌های وی وفادار مانده و شاگردان صادقی برایش بوده‌اند و برخی با انحراف از اندیشه‌های وی، به دامن فرقه‌گرایی افراطی افتاده‌اند. سلفی‌های کلاسیک، همانند وهابیها با عقاید سید قطب، مخالف هستند و چنین می‌پندارند که مراد وی از توحید در حاکمیت، جامعه‌آناشییستی و دیدگاه خوارچی است، یعنی وی به تشکیل حکومت در جامعه اعتقادی ندارد و مانند خوارج از آیه شریفه «ان الحكم الا لله» بی حکومتی را برداشت کرده است (بشیر، ۱۳۹۰، ۵۹).

اما باید گفت که نظر او چنین نبود، بلکه مراد او از جامعه الهی، توصیف جامعه‌ای بود که رئیس آن بر مبنای اصول اسلامی حکم براند، زیرا در سایه حکومت اسلامی است که احکام و فرامین الهی در جامعه قابل اجرا خواهد بود. گاهی، دو جریان سلفی از نظر عقاید، حتی از حیث مواضع سیاسی با یکدیگر مشابهت دارند، اما از نظر روش رسیدن به اهداف متفاوت هستند. برای مثال، در حالیکه شاخه «جمعیت‌العلمای اسلام» که پیرو مکتب دیوبند، است، برای پیشبرد هدف‌های خود از روش‌های متداول سیاسی استفاده می‌کند و می‌کوشد با حضور فعال در فضای سیاسی به خواسته‌های خود برسد، گروهی مانند «سپاه صحابه» با نگرش اعتقادی کمابیش مشابه، روش ترور و خشونت را برای رسیدن به اهداف خود به کار می‌گیرد. نمونه دیگر آن که، در حالی که جریان‌های نوگرای وهابی برای پیشبرد مقاصد خود از روش تبلیغی استفاده می‌کنند، جریان‌های افراطی، شیوه‌های خشونت‌آمیز و حمایت از گروه‌های خشونت‌گرا را در پیش گرفته‌اند (الگار، ۱۳۶۲، ۱۳).



### ۳. گونه‌های جریانهای سلفی سیاسی

آشفته‌گی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جهان اسلام در کنار هجوم همه جانبه غرب، باعث ایجاد واکنشهای متعددی در جهان اسلام شد. یکی از این واکنشها رشد و گسترش اندیشه سلفی‌گری است. این اندیشه که ریشه در آراء و اندیشه‌های خوارج، حنبله و وهابیت دارد به جریان خرد گریز در میان مسلمانان معروف است. چرا که با تکیه بر ظواهر کتاب و سنت، هرگونه گرایشهای عقلی، فلسفی و کلامی را بر نمی‌تابد. در اندیشه سیاسی سلف‌گرا، حکومت مطلوب همان شیوه خلافت صدر اسلام و خلافت‌های اموی و عباسی است در این اندیشه؛ دموکراسی، انتخابات و مفاهیم این چنینی کاملاً نامأنوس و ضداسلام تلقی می‌شوند. سلفیه، پدیده‌ای که انحصار طلبانه مدعی مسلمانی است که با تکفیر سایر گروه‌های اسلامی و غیراسلامی به رفتار خشونت آمیز خویش علیه آنها مشروعیت می‌بخشد. طالبان یکی از گروه‌های سلف‌گرایی است که در اوضاع آشفته افغانستان و با حمایت بی دریغ پاکستان، عربستان و آمریکا در قرن معاصر ظهور پیدا کرد. مطلق انگاری، ظاهرگرایی و برداشت افراطی از اسلام توسط طالبان آنان را به سمت خشونت و عمل‌گرایی مفرط سوق داد که خشم و انزجار جامعه جهانی را برانگیخته و آنان را در اداره افغانستان ناتوان کرد. یکی دیگر از مهمترین جریان‌های سلف‌گرا در اسلام معاصر، سازمان القاعده است که به منظور دفاع از افغانستان در مقابله با روسیه و با کمک‌های همه جانبه آمریکا، عربستان و پاکستان به وجود آمد. اندیشه این سازمان که توسط بن‌لادن رهبری می‌شد، متشکل از عدم توجه به عقل در فهم متون دینی و تأکید بر ظواهر شریعت است. این اندیشه که ملهم از اندیشه‌های سیدقطب و وهابیت است تأکید فراوان بر آیات جهادی دارد که مهمترین مصداق جهاد را ارباب یا همان ترور می‌داند. اعضاء القاعده تنها روش رسیدن به اهداف خویش را مبارزه مسلحانه می‌داند که در این راه عملیات‌های انتحاری مختلفی برای ضربه زدن به دشمنان و رسیدن به اهداف خود انجام داده‌اند. اعضاء این سازمان همگی سنی مذهب و از ملیتهای مختلف هستند. طالبان و القاعده که مخالفان عقیده خود را کافر می‌خواندند بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر، توسط آمریکا از هم فروپاشیدند و، اعضاء این دو سازمان در کشورهای مختلف پراکنده شده و مترصد فرصتی هستند تا دوباره خود را احیاء کنند با توجه به مباحث گفته شده و عواملی که پیش‌تر مورد بحث قرار گرفت، می‌توان سلفی‌گری را به گونه‌هایی تقسیم نمود:



#### ۴. سلفی‌گری تکفیری

سلفی‌گری تکفیری، به رویکرد گروهی از سلفیون گفته می‌شود که مخالفان خود را کافر می‌شمارند. براساس مبنای فکری آنان، میان ایمان و عمل تلازم وجود دارد. به این معنی که، اگر کسی ایمان به خدا داشته باشد و مرتکب کبائر شود، از دین خارج و کافر شناخته می‌شود. از منظر تاریخی، در جهان اسلام، تنها گروه خوارج بودند که چنین عقیده‌ای داشتند. خوارج ایمان را بسته به عمل می‌دانستند و فرد مرتکب کبیره را از دین خارج و واجب القتل تلقی می‌کردند. به همین علت، در برابر مسلمانان قد برافراشتند و آنان را به بهانه‌های واهی کشتند. حتی حضرت علی (ع) (را به این بهانه شهید کردند چون با پذیرش حکمیت، که خود آن‌ها به او تحمیل کرده بودند، مرتکب کبیره شده بود. سلفی‌های تکفیری هم، چنین دیدگاهی دارند و این نوع نگرش موجب می‌شود که مسلمانان را به علت انجام امور مذهبی در ردیف مشرکان قرار دهند (سوزنگر، ۱۳۸۳، ۱۹).

وهابیت سلفی تکفیری، در توجیه وضع عراق، آن را در تسلط چهار گروه می‌داند: اول، صلیبیون که منظور اشغالگران آمریکایی و غربی هستند؛ دوم، مراد از رافضیون که شیعیان عراق هستند؛ سوم صفویون یا همان شیعیان ایرانی که به گمان آنان بر عراق تسلط دارند؛ چهارم مرتدین یا اهل سنت عراق که با دولت همکاری می‌کنند و بر همین مبنا نیز، به جهاد با این چهار گروه فتوا داده و کشتن و کشته شدن در این راه را موجب سعادت می‌دانند. آنان، هیچ تفاوتی میان کافران اشغالگر آمریکایی و مسلمانان شیعه و سنی این کشور قائل نیستند و همه را مستحق مرگ می‌دانند (فرمانیان، ۱۳۸۸، ۱۹).

#### ۵. سلفی‌گری جهادی

نظریه پردازی درباره سلفی‌گری جهادی، در تفکرات اندیشمندان مصری ریشه دارد. سید قطب، جاهلیت قرن بیستم، و خیم‌ترین نوع جاهلیتی است که تاکنون در تاریخ بشر دیده شده است. به نظر وی، تلاش‌های پیامبر (ص) (برای از بین بردن دشمنانش، بسیار آسان‌تر از تلاش‌هایی است که باید برای پایان دادن به جاهلیت در عصر حاضر صرف شود. وی دلیل این امر را، دشمنی دوگانه‌ای می‌داند که مؤمنان باید با آنها مبارزه کنند، یعنی دشمن خارجی) به طور عمده فرهنگ غربی (و دشمن داخلی در دنیای اسلام) (حاکمان غیراسلامی). (وی در چنین شرایطی، جهاد را مطرح کرده و بیان می‌کند که در این شرایط، مسلمان وظیفه دارد برای برپایی دین، چه با کفار و چه با حاکمان دست‌نشانده کشورهای اسلامی جهاد کند (سید قطب، ۱۳۷۸، ۴۳) چنین رویکردی سبب شد که اخوان المسلمین با تأثیر از اندیشه‌های سید قطب، مواضعی



جهادی در برابر دولت مصر بگیرد. انحراف در اندیشه سلفی گری جهادی، هنگامی آغاز شد که سلفیان تکفیری کوشیدند این جریان را به نفع خود مصادره کنند. سازما نهایی مانند القاعده و حزب التحریر، به جای مبارزه با کافران، وارد مبارزه‌های عقیدتی درون دینی شدند.

## ۶. سلفی گری تبلیغی

سلفی گری تبلیغی، بیشتر در برابر سلفی گری تکفیری مطرح می‌شود. سلفی گری تبلیغی، نوعی از سلفی گری است که محور فعالیتهای خود را تبلیغ اندیشه‌ها و مبانی سلفی گری قرار می‌دهد. هرچند در ماهیت این نوع سلفی یگری نیز تکفیر مخالفان دیده می‌شود، اما در ظاهر، نسبت به جهاد و مبارزه با مسلمانان کمتر تأکید دارد (علیزاده موسوی، ۱۳۸۹، ۲۹). در واقع، این گروه با توجه به اثرات جهانی شدن، با بهره برداری از فناوریهای پیشرفته ارتباطی، گفتمان سلفی گری را جهانی می‌سازد. هزاران سایت اینترنتی و چندین شبکه ماهواره‌ای، مسئولیت تبلیغ دیدگاه‌های سلفی گری را برعهده دارند. به طور معمول، در باب تبلیغ، این جریانها در دو محور فعالیت می‌کنند:

**الف. ترویج مبانی سلفی گری:** سلفیان تبلیغی، می‌کوشند تا معارف و مبانی خود را در قالب رو شهای نوین به جهانیان عرضه کنند. مباحثی مانند: حدیث گرابی، گذشته گرابی و ترویج مفاهیم اعتقادی تحریف شده خود، همچون توحید و شرک و ایمان و کفر و ...

**ب. شبهه افکنی:** بخش دیگر در جریان سلفی یگری تبلیغی، که مهم‌تر از بخش اول است، القای شبهه، برای تخریب عقاید مسلمانان است. برای مثال، در ایام محرم شبهه‌های عزاداری مطرح می‌شود و یا در مورد اهل سنت، طریقت به چالش کشیده می‌شود که شمار فراوانی از اهل سنت به آن اعتقاد دارند. (عابدی، ۱۳۹۰، ۴۹)، اما به نظر می‌رسد، اصولاً آنچه که باعث پیدایش سلفی گری سیاسی است، نو سلفی می‌باشد:

## ۷. گروه نوسلفی

جریان «نوسلفی» یا «سلفیه متعادل»، علی‌رغم پذیرش اصول، روش و کلیات سلفی گری، بعضی از مسائل سلفی گری سنتی را به نقد کشانده و برخی از تندروی‌ها و افراط‌گری‌های سلفیه را تعدیل کرده است. جریان نوسلفی نیز مانند سلفی سنتی، حول اصل توحید و احیای خلافت اسلامی و جهاد و امثال آن تمرکز دارد؛ اما این جریان می‌کوشد، مباحث توحید اسلامی را از توحید قبوری و تکفیر دیگران، به توحید عملی و جنبه‌های گوناگون آن در جامعه کشانده و از احیای توحید به احیای حکومت اسلامی -



در برابر حکومت جاهلیت - و نیز توحید در قانون‌گذاری و توحید در حاکمیت راه یابد؛ همچنین اصل جهاد را نه در برابر برادران مسلمان، بلکه در برابر جبهه کفر و نظام سلطه به تحقق عملی برساند (الگار، حامد ۱۳۶۲، ۶). به عبارتی، تصویری که سلفی‌ها از توحید داشتند، موجب می‌شد بسیاری از مسلمانان از مذاهب گوناگون و به ویژه گروه‌های سلفی‌گری، امامیه را در معرض انتساب به شرک و تکفیر قرار داده، و آراء و عقایدشان را بهانه‌ای برای حمله به دیگر مسلمانان قرار دهند.

اما نوسلفی‌ها تقابل خود را در جهان دیگر جستند، و توان خود را علیه غیرمسلمانان و غرب به کار گرفتند. این جریان جدید شامل شخصیت‌ها و گروه‌های مختلفی است که نقطه مشترک همه آنها دعوت به «اصلاحات» و «اعتدال» است. این گروه‌ها در سال‌های اخیر با بهره‌گیری از رویکرد جدید دولت سعودی به گفت‌وگو، از موقعیت بهتری برخوردار شده و زمینه مناسبی را برای فعالیت یافته و پایگاه‌های اینترنتی، از جمله پایگاه «الاسلام الیوم» (که با نظارت «سلمان العوده» اداره می‌شود) را راه‌اندازی کرده‌اند. از سران این جریان می‌توان از «سفر الحوالی» و «عائض القرنی» یاد کرد. بسیاری از جوانان سلفی تحصیل کرده و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های آمریکا و اروپا نیز در همین جریان نوسلفی تعریف می‌شوند. همچنین برخی از فعالان سیاسی که با اخوان‌المسلمین ارتباط دارند، مانند دکتر عبدالله نصیف (نایب رئیس سابق مجلس شورای عربستان که رئیس دانشگاه ملک عبدالعزیز جدّه نیز بوده است)، در این جریان قرار می‌گیرند. (ایمانی و ابوزهره، ۱۳۸۸، ۱۶)

بر این اساس، «جریان نوسلفی، نهضتی دینی-سیاسی است که در دو سه دهه اخیر تکوین یافته است. نوسلفی‌گری شاخه‌ای از وهابیت است که به دلیل غلبه جنبه انتقادی آن نسبت به محافظه‌کاری سنتی وهابیت، توانسته مخاطبان خاصی را به‌ویژه در مقابله‌جویی با کشورهای سلطه‌جو و برخی اقتدارگرایی‌ها در برخورد با قدرت‌های داخلی به دست آورد.» تحولاتی که در کشورهای اسلامی از یک‌سو و نظام بین‌الملل از سوی دیگر پدید آمد را باید آغاز این جهت‌گیری جدید در سلفی‌گری دانست. نوسلفی‌ها خود را به‌عنوان جایگزین بهتر و مناسب‌تری برای حل مشکلات سیاسی می‌بینند، آن‌ها تلاش دارند نشان دهند تا چه اندازه سلفی‌ها (سنتی) از زمینه‌ای که در آن قرار داشتند بی‌اطلاع بودند و سلسله وار اعتبار آنها را به چالش می‌کشند و آنها را به عنوان انسان‌هایی با افکار کهنه و بیمار می‌دانند که امکان صدور فتوای مناسب حال جامعه را ندارند در واقع، از تفاوت‌های اساسی نوسلفی‌ها با سلفی‌های سنتی بحث «اجتهاد» است. در حالی که سلفی‌های سنتی معتقد به اجتهاد نبوده و سعی در پایبندی به صحابه و تابعین داشتند، نوسلفی‌ها معتقد به اجتهاد هستند. به عبارتی، در حالی که «تقلید» از مفاهیم کلیدی

سلفی‌های سنتی محسوب می‌شود، «اجتهاد» از مفاهیم محوری نوسلفی‌ها به شمار می‌رود (بشیر، ۱۳۹۰، ۴۱). نوسلفی‌ها معتقدند که سلفی‌ها (سنتی) با تمرکزشان بر اصلاح و پاکسازی دین و غفلت از متنی که در آن قرار گرفته‌اند و پرداختن به اینکه چگونه باید به زندگی نیک آخرت دست یافت و یا پرداختن به ارتداد و چگونگی پرستش، از یاد برده‌اند که جامعه مسلمانان در چه فشاری از سوی رژیم جعلی صهیونیستی هستند و چگونه در نزاعی بین‌المللی، کشورهایی مثل آمریکا در تلاش‌اند تا مسلمانان را کنترل کنند (سوزنگر، ۱۳۸۳، ۱۶) در واقع، می‌توان گفت به هر میزان که سلفی‌ها بر کناره‌گیری، انزوا و تهذیب تأکید دارند، نوسلفی‌ها بر حضور و مداخله در محیط پیرامون به منظور پاکسازی محیط برای زیست مساعد برای مسلمانان تأکید می‌کنند. به عبارتی می‌توان گفت تفاوت اساسی دیگر نوسلفی‌ها با سلفی‌ها در این است که آنها برخلاف سلفی‌ها با عناصر دنیای جدید سازگاری دارند، و برای رسیدن به هدف‌های خود از ابزارهای جدید استفاده می‌کنند. اما سلفی‌ها (سنتی) به طور کامل تمامی اشکال حکومت‌های موجود در جهان اسلام را رد کرده و آنها را ارتدادی می‌دانند. درحالی که سلفی‌ها به شدت با تمامی اشکال حکومت-ها مخالف‌اند، نوسلفی‌ها سهمی از آموزه‌های عصر نوگرایی همانند تفکیک قوا، حکومت مشروطه و حقوق مدنی را بیشتر مدنظر دارند.

### ۸. سلفی‌گری سیاسی

تعریف سلفی‌گری سیاسی، درمقایسه با انواع دیگر سلفی‌گری، با دشواری بیشتری همراه است؛ زیرا از یکسو، بسیاری از جریان‌های سلفی هد‌فهای سیاسی را در کنار هد‌فهای اعتقادی دنبال می‌کنند و از سوی دیگر، غربی‌ها به هر حرکت اسلامی که قائل به ارتباط دین با سیاست باشد، عنوان سلفی می‌دهند. در این نگاه، تعبیرهایی مانند بنیادگرایی<sup>۱</sup> و اسلام سیاسی<sup>۲</sup> نیز مترادف این مفهوم تلقی می‌شود. جماعت اسلامی موجود را در غرب، حزب سلفی سیاسی می‌شناسند، در حالیکه دیدگاه‌های سلفی به معنی مصطلح در ساختار آن دیده نمی‌شود. گاهی انقلاب اسلامی ایران نیز، انقلابی سلفی یا بنیادگرایانه معرفی می‌شود که مترادف با سلفی‌گری سیاسی است. (علیزاده موسوی، ۱۳۸۹، ۳۵)

به هر روی، سلفی‌گری سیاسی، نوعی سلفی‌گری است که با وجود هد‌فهای اعتقادی، بیشتر در پی اهداف سیاسی و به دست آوردن قدرت سیاسی است. برای سلفی‌گری به این معنا، می‌توان نمونه‌های بسیاری یادآور شد. برخی از گروه‌های سلفی می‌کوشند تا با به کارگرفتن روش‌های دیپلماتیک به هد‌فهای

<sup>۱</sup> Fundamentalism

<sup>۲</sup> -Political Islam



اعتقادی خود دست یابند، مانند جمعیت العلمای اسلام در پاکستان، که می‌کوشد از راه حضور در مراکز تصمیم‌گیری و شرکت در انتخابات مجلس برای به دست آوردن کرسی‌های بیشتر، نفوذ خود را در پاکستان افزایش دهد. برخی دیگر از جریان‌های سلفی، مانند جریان وهابیت نوگرا، هرچند سلفی هستند، اما بیش از آن که دغدغه دین داشته باشند به دنبال حفظ و کنترل قدرت هستند. نمونه بارز آن، نظام پادشاهی عربستان است که ارتباط بسیار گسترده‌ای با کشورهای غربی دارد. (سوزنگر، ۱۳۸۳، ۲۵)

علاوه بر موارد پیشین، می‌توان به نوع دیگری از رویکرد به سلف اشاره کرد. رویکردی که برخلاف گونه‌های یادشده، اصلاح‌گرانه و تنویری بوده است. واقعیت آن است که سنت اصلاحی در جهان اسلام، به سلف در معنای خاص آن می‌اندیشیده و به آن توجهی جدی و ویژه داشته است. ذیل نگرشی از این دست، چنین توجهی به سلف، از نظر مفهومی و روشی با گونه‌های دیگر سلفی‌گری متفاوت است. رویکرد و توجهی از این دست به سلف، در پاسخ به این پرسش شکل گرفت که، چرا کشورهای اسلامی با داشتن گذشته بسیار درخشان، طی قرون گذشته تا زمان حال، به کشورهایی عقب مانده و ضعیف تبدیل شده اند؟ در پاسخ به این پرسش، پیروان این نوع نگرش سلفی، علت‌های عقب ماندگی جهان اسلام را فراموشی میراث اسلامی و عمل نکردن به تعالیم اسلام بیان کرده‌اند. هدف این گروه، نه ایجاد اختلاف و دامن زدن به فرقه‌گرایی، بلکه کمک به تقریب و هم‌گرایی در جهان اسلام به مثابه رویکردی اصلاحی و مبتنی بر نگرش تنویری بوده است. از این رو، به این گروه، مصلحین نیز گفته می‌شود (ایمانی و ابوزهره، ۱۳۸۸، ۱۸). پس مراد این گروه از سلف، نه بازگشت به مواضع صحابه و تابعین و تابعین تابعین، بلکه مراجعه به اصول و فرامین اسلام است که در کتاب و سنت آمده است و در عین توجه به شرایط زمان و مکان و استفاده از عقلانیت است. برای مثال، علامه اقبال، که فلسفه‌ای با نام فلسفه خودی بنیان نهاد و در آن بازگشت به اصول اسلامی و ترک غرب‌گرایی را به مسلمانان توصیه کرد، در عداد این اندیشمندان است.

سیدجمال الدین اسدآبادی، سفرهای زیادی به کشورهای مختلف اسلامی داشت و تلاش کرد که این کشورهای مسلمان دارای مذاهب گوناگون، اختلاف‌ها را فراموش نمایند و در برابر استعمار، یکپارچه و متحد عمل کنند. شاگرد وی، محمد عبده نیز روشی اصلاحی برای هدایت جامعه اسلامی و افزایش همبستگی آن در پیش گرفت. وی نسبت به مساله تکفیر مسلمانان، بر این عقیده بود که اگر صد احتمال بر کفر و در مقابل تنها یک احتمال بر ایمان مسلمانانی باشد، نباید وی را رمی به کفر نمود (علیزاده موسوی،



شلتوت، هم مذهب شیعه را در الازهر به رسمیت شناخت و جواز پیروی اهل سنت از مذهب شیعه را اعلام کرد. همه این مصلحان، نه تنها مانند بنیان گذاران سلفی گری مصطلح، مسلمانان را به فرقه گرایی و برادرکشی تشویق نکردند، بلکه کوشیدند آلام ایشان را درمان و آن‌ها را در برابر دشمن مشترک، یعنی استعمار متحد کنند. به طور کلی، جریان‌های سلفی را به دو گروه عمده می‌توان تقسیم کرد، گروه‌هایی که از راه فعالیت‌های سیاسی، بیشتر در پی هدف‌های اعتقادی هستند؛ مانند طالبان و جمعیت العلمای اسلام و شاخه فضل الرحمن. گروه‌های دیگر کسانی هستند که با بهره‌برداری از مبانی اعتقادی به دنبال هدف‌های سیاسی هستند، مانند جریان نوگرای وهابیت و شاخه‌هایی از جریان‌های محلی وابسته به القاعده مانند سازمان قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین در عراق و گروه معدوم جندالله در ایران.

#### ۹. تأثیر انقلاب ایران در ایجاد سلفی گری در خاورمیانه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و اشغال جنوب لبنان، به وسیله رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۸۲ میلادی، به ایجاد و تکوین حزب الله لبنان با حمایت‌های نظام جمهوری اسلامی ایران منجر شد که نتیجه آن، پیدایش گفتمانی نشأت گرفته از اسلام شیعی با نام مقاومت اسلامی لبنان بود. درمقابل این امر، گفتمانی نیز با عنوان سلفی تکفیری و با حمایت وهابیت حاکم بر عربستان سعودی متولد شد. در حال حاضر، وقایع سال‌های اخیر در کشورهای سوریه، عراق و یمن به تقابل این دو گفتمان منجر شده است. تعریف متفاوت این دو گفتمان از ارزش‌ها، از یک سو و هویت برآمده از این ارزش‌ها از سوی دیگر، به تقابل هویت و منافع برخاسته از آن هویت در خاورمیانه انجامیده است. از طرفی آمریکا که می‌خواست جریان چپ‌گرای سوسیال در جهان اسلام گسترش پیدا نکند، دست وهابیت را باز گذاشت و وهابیت هم جریان سلفی این تیمی‌ای را به جای سلفیتی که در شمال آفریقا و در جهان اسلام و توسط سیدجمال و عبده مطرح شده بود، جازد و مطرح کرد (علیزاده موسوی، ۱۳۹۲، ۱۷) عامل دیگر در گسترش سلفیه در جهان و مخصوصاً خاورمیانه را باید قداست سلف برای اهل سنت دانست؛ چرا که که فهم سلف، برای آنها اعتبار دارد، اما در درجه اعتبار آن اختلاف دارند. آن‌ها معتقدند که اسلام را از صحابه گرفته‌اند و معنا ندارد که صحابه را کنار بگذارند. اما مسئله‌ای که در کنار این باور وجود دارد این است که هر چند اسلام را از صحابه گرفته‌اند، اما تفسیر آن‌ها از اسلام صحابه؛ می‌تواند رنگ و بوی عقلی و یا رنگ و بوی دیگری بگیرد (رئیس کرمی، ۱۳۸۰، ۷) عامل دیگر در گسترش سلفی گری را باید در قدرت شیعه در منطقه، عنوان کرد. چر که مقابله با شیعه از این جهت علی‌الخصوص با رهبری وهابیت و آل سعود صورت می‌گیرد (هاشمی،



۱۳۸۰، ۶) بنابراین از یکطرف حفظ منافع آمریکا در مقابل سوسیالها، قداست سلف برای اهل سنت و قدرت شیعه در منطقه خاورمیانه را از مهمترین ریشه‌های رشد و نفوذ سلفی گری سیاسی باید قلمداد نمود.

### ۱۰. سلفی گری، بیداری اسلامی و گفتمان مقاومت

میان مفاهیم سلفی گری و بیداری اسلامی، می‌توان شباهت‌هایی مشاهده کرد و همین شباهتهاست که زمینه مساعدی برای بهره برداری جریان سلفی از فضای بیداری اسلامی فراهم می‌کند. در هر دوی این مفاهیم، نوعی بازگشت به گذشته وجود دارد. بیداری اسلامی، مسلمانان را به بازگشت به آموزه‌های اسلامی دعوت می‌کند و می‌کوشد با احیای دوباره تعالیم حیات بخش اسلام در میان جوامع اسلامی، ملل مسلمان را از گرایش به غرب و نظریه‌های سکولار دور کرده و به هویت اصلیشان بازگرداند. در اندیشه چهره‌های اسلام گرا، همانند سیدجمال الدین اسدآبادی، علامه اقبال لاهوری، محمد عبده، شهید مطهری و دکتر شریعتی، همچنین حضرت امام (ره)؛ چنین رویکردی به طور کامل، مشاهده می‌شود. براساس این دیدگاه، علل افول و عقب ماندگی جوامع اسلامی در عصر حاضر، فراموشی میراث گرانبهای اسلام و دل دادن به داشته‌های دیگران بوده و تنها راه نجات از این شرایط بحرانی، بازگشت مجدد به تعالیم حیات بخش اسلام است.

با رجوع به اندیشه سلفی، می‌توان اصل چنین ایده‌ای، یعنی بازگشت به گذشته را مشاهده کرد. حتی این بازگشت در نگرش سلفی نسبت به جریان بیداری اسلامی، ابعاد گسترده‌تر و عینی‌تری به خود می‌گیرد، اما تفاوت اساسی میان این دو دیدگاه این است که در نگرش بیداری اسلامی، بازگشت به اصول و مبانی اسلام، با تأکید بر عنصر عقل و اجتهاد و توجه به شرایط زمان و مکان مطرح و بر این اساس فرهنگ اختلاف میان مذاهب نیز پذیرفته می‌شود، اما در اندیشه سلفی، که پیش‌تر نیز گفته شد، بیش از آن که نگاه به اصول و مبانی باشد، به خطوات، عملکردها و تسری تشریح به صحابه، تابعین و تابعین توجه می‌شود و عقل‌گرایی و اجتهاد مبتنی بر عقل در این اندیشه جایگاهی ندارد.

به هر حال، چنین شباهتی سبب شده است که جریان سلفی، بیداری اسلامی را بستر مناسبی برای دعوت خود تلقی کند و در این عرصه توفیقاتی نیز داشته باشد. بنابراین، آنچه زمینه بهره برداری سلفیه را از فضای بیداری اسلامی، بیش از پیش فراهم می‌کند، روند تحولات و حوادثی است که طی فرایند بیداری اسلامی، در قالب انقلابها، در کشورهای مسلمان شکل گرفته است، زیرا دعوت سلفیه در تاریخ حیاتش، همواره با خشونت به عنف همراه بوده و در فضای تخاصم رشد بیشتری داشته است. به بیانی دیگر، در هیچ



دوره‌ای از ادوار حضور سلفیه، اندیشه سلفی با دعوت صرف پیش نرفته و همواره خشونت و ارعاب را در کنار خود داشته است. در دهه‌های اخیر نیز، وضعیت دعوت سلفیه در کشورهای اسلامی به همین منوال بوده است. وضعیت الجزایر در دهه نود و تحولات عراق، افغانستان، پاکستان، سوریه و... در دهه‌های بعدی همه نشانگر چنین وضعیتی بوده اند؛ همچنین، دعوت سلفیه بیش از آنکه بر عقل‌گرایی و تحلیل تکیه کند، بر هیجان‌ات و دشمنی مستقیم با غرب و سایر قرائت‌های موجود در اسلام استوار است و به همین سبب نیز، پیروان و طرفداران خاص خود را دارد. چنین شرایطی سبب شده که گروه‌هایی از توده‌های مسلمان در هیجان‌ات ناشی از تحولات بیداری اسلامی، جذب دیدگاه‌های عوام‌فریبانه جریان سلفی شوند و زمینه‌های مصادره بیداری اسلامی برای سلفیه فراهم گردد. حاصل این است که بهره‌برداری و مصادره اهداف و ارزش‌های موج بیداری اسلامی در تحولات کشورهایمانند مصر، یمن، لیبی، تونس و سوریه در فرایند بیداری اسلامی به خوبی مشاهده می‌شود.

#### ۱۱. توسعه گفتمان مقاومت اسلامی در مقابل جریان‌های سلفی

پست مدرنیسم، مدعی است که سازمان اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مدرنیته از اساس دچار یک تحول عمیق گشته از همین رو، جهانی نوین با ساختارهایی نوین شکل می‌گیرد (درایسدل و بلیک، ۱۳۸۶، ۲۳)، از این نگاه، مدرنیته به انتها رسیده بنابراین با در نظر گرفتن این مفروضه‌های پست مدرنیستی می‌توان گفت که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران اندیشه‌های سیاسی جدیدی ظهور یافتند که ممکن بود زمینه‌های لازم را برای تولید و کاربرد قدرت در نظام بین‌الملل فراهم آورند. هویت مقاومت در انقلاب ایران آثار و پیامدهای خود را در اندیشه‌های سیاسی بین‌المللی بر جای گذاشت. ادبیات و قالب‌های گفتمانی انقلاب ایران نه تنها آسیای غربی بلکه حوزه نظریه پردازی در سیاست بین‌الملل را تحت تأثیر خود قرار داد. در همین راستا اگرچه حمله آمریکا به افغانستان و عراق یک تهدید جدی برای منافع ایران و کشورهای همسو محسوب می‌شد، اما به واقع همین امر به نوبه خود سبب نزدیکتر شدن این کشور علیه غرب و شکل‌گیری محوری تحت عنوان محور مقاومت شد. این اتحاد، فراتر از یک اتحاد تاکتیکی است. به گونه‌ای که کارشناسان امر معتقدند که اتحاد مزبور یک اتحاد راهبردی و سازنده در منطقه غرب آسیا است (ابوالحسن شیرازی و پارسه، ۱۳۹۳، ۹۱)، از همین رو این مسأله به عنوان «تلنگر» به ایالات متحده قلمداد می‌گردد. انقلاب اسلامی در ایران گفتمان سیاسی شیعه را در همه کشورهای اسلامی را تحت تأثیر قرار داده است و بازتاب آن در همه کشورهای شیعه قابل مشاهده



می‌باشد. می‌توان نخستین بازتاب شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی و تداوم اقتدار آن را در افزایش اعتماد به نفس مسلمانان و به ویژه شیعیان دانست. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، کشورهای همجوار و منطقه غرب آسیا و جهان اسلام به طور خاص، و جهان به طور عام، تحت تأثیر عظمت این رخداد و پیامهای جهانی و منطقیهای آن قرار گرفتند. نوآوری‌های سیاسی و فرهنگی ایران به شدت برای مسلمانان جذاب و شگفت‌انگیز بود. شعارها و گفتمانهایی نظیر تلاش در جهت برقراری حکومت جهانی اسلام، نفی سلطه و سلطه جویی، حمایت از مستضعفان و نهضت‌های آزادی‌بخش، تبلیغ اسلام و شروع تفکر ام‌القری بودن ایران برای جهان اسلام، به وجود آمدند و رد منطقه بازتاب بسیار بالایی داشت (نجاتی، ۱۳۸۸، ۲).

در خصوص نقش رهبران شیعه در حاکمیت عراق نوین و حرکت آنها به سمت ژئوپلیتیک شیعه باید اذعان داشت که با فروپاشی رژیم بعث و عدم تحقق پیش‌بینی‌های امریکا، عراق دچار خلاء قدرت شد که همین امر به نوبه خود منجر به ایجاد مشکلات امنیتی به ویژه در بغداد و مناطق سنی نشین گردید. در مناطق شیعه نشین، نفوذ و قدرت مراجع و روحانیون و دعوت مردم به حفظ وحدت و یکپارچگی در کنترل اوضاع بسیار مؤثر بود. این در حالی بود که مناطق سنی نشین به واسطه اقدامات مسلحانه علیه اشغالگران و ترور عناصر مهم حکومتی، در وضعیت اقتصادی و امنیتی وخیمی به سر می‌برد. (نادری، ۱۳۸۶، ۴۹). نقش تأثیرگذار شیعیان بر کنترل بحرانهای پس از صدام، فشار گروههای عراقی به ویژه گروههای پر قدرت شیعه، پتانسیل بالای مرجعیت با پشتوانه‌های مردمی و همچنین وجود ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای شیعه که از جریانهای شیعی عراق حمایت می‌کرد، منجر به تقویت ژئوپلیتیک شیعه در این کشور راهبردی شد.

در واقع، در کنار رقابتهای بین اهل سنت - شیعه، رقابت‌ها بین احزاب مختلف شیعه که گاهی با احزاب فرامذهبی برای موازنه طرف مقابل ائتلاف می‌نمودند، نیز به وجود آمد از جمله ائتلاف العراقیه در مقابل ائتلاف مالکی، که اینها یکی از مشخصه‌های فرایند سیاسی بعد از سقوط صدام بوده است. (ستوده و کیانی، ۱۳۹۷، ۱۵۰). بی تردید، وقوع تحولات سیاسی جدید در عراق، نقطه عطفی در تقویت جایگاه شیعیان در منطقه و جهان به شمار می‌آید. در واقع، انقلاب اسلامی به شیعیان این جرأت و جسارت را داد تا ضمن ابراز هویت خویش، حضور خود را برای دیگران محسوس و ملموس سازند. در واقع گفتمان مقاومت منبث از انقلاب اسلامی در عراق نوین، اندیشه سیاسی شیعه را متحول و آن را معطوف به قدرت نموده و به حالت گفتمانی درآورده است. با بررسی نقش و جایگاه جریانهای عمده شیعی در



عراق، مشاهده می‌شود که علیرغم همه مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها، شیعیان سهم عمده‌ای در اداره عراق نوین و نقش الهام بخش برای شیعیان عرب در کشورهای اسلامی و عربی داشته‌اند. ادبیات سیاسی و نوع شعارهای حزب الله و جنبش یمن نیز بیانگر تأثیرپذیری و الهام گرفتن این جنبش از انقلاب اسلامی در ایران می‌باشد (هرزان، ۱۳۹۰، ۲۴۴). از زمان تأسیس حزب الله در ۱۳۶۱، تا زمان تبدیل به یک نیروی مؤثر چالشگر در برابر اسرائیل، مراحل مختلفی را در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و نظامی طی کرده است. باید توجه داشت که این جنبش طی دهه‌های اخیر از متغیری کم اثر به وزنه‌ای جدی و دغدغه‌ای اصلی برای رژیم اسرائیل در عرصه نظامی بدل شده است. حزب الله با انتخاب استراتژی مقاومت در برابر اشغالگری، توانست به تدریج نیروهای ارتش اسرائیل را تا جنوب لبنان عقب براند و سرانجام در سال ۱۳۷۹ اسرائیل را مجبور کند تا از جنوب لبنان، عقب نشینی کند (شیروانی، ۱۳۸۹، ۴۸). اگرچه اهداف اولیه این جنبش، مقاومت نظامی در برابر اسرائیل بوده و این مقاومت از آغاز تاکنون علت وجودی آن را تشکیل می‌دهد ولی هدفش منحصراً نظامی نیست. تعامل این جنبش با بازیگران مسیحی و سنی صحنه سیاسی لبنان، حتی با احزابی که گرایشهای میهن پرستانه و حضور فعال در عرصه سیاست این کشور و نیز گاهی اخلاقی نشأت گرفته از فلسفه جهاد اکبر دارند، این امر را تأکید می‌کند. از این رو باید گفت حزب الله فقط یک حزب نیست، بلکه جریانی فراگیر، محبوب با پشتوانه مردمی بالا، در لبنان و همچنین در جهان اسلام است و قویترین جنبش‌های ضدصهیونیستی اسلامی شیعی در مجاورت اسرائیل محسوب می‌شود که مبانی ایدئولوژیک و نگرش سیاسی این جنبش، بیشترین تشابه و نزدیکی را با گفتمان مقاومت برخاسته از جمهوری اسلامی در ایران دارد که شباهت فراوانی با تأثیر جنبش یمن از گفتمان ایران دارد (گلشنی و باقری، ۱۳۹۱، ۱۲۵).

### نتیجه گیری

فشارهای اقتصادی و مقابله با مدرنیسم مادی گرا و همین طور جریان جهانی شدن و طبیعت مصرف گرایی کاپیتالیسم، دخالت‌های غربی‌ها در کشورهای اسلامی و اعمال فشار و زور بر مسلمانان فلسطین، تجاوز آمریکا به افغانستان و دخالت نابه جا در منطقه بالکان، همگی دست به دست هم دادند و سبب شدند تا بسیاری از مسلمانان این منطقه به سمت اسلام رادیکالی و قرائت افراط گرایانه از دین روی آورند. تفکرات سلفی با حمایت عربستان سعودی از یک سو و نگرشهای روشنفکران ملی گرا و لیبرال از سوی دیگر، هر دو در کنار هم پیش می‌رفتند و گاه نیز بر سر منافع مشترک میان آنها نزاع و درگیری شکل می‌گرفت. جریان نوسلفی، نهضتی دینی- سیاسی است که در دو سه دهه اخیر تکوین یافته است. نوسلفی‌گری



شاخه‌ای از وهابیت است که به دلیل غلبه جنبه انتقادی آن نسبت به محافظه‌کاری سنتی وهابیت، توانسته مخاطبان خاصی را به‌ویژه در مقابله‌جویی با کشورهای سلطه‌جو و برخی اقتدارگرایی‌ها در برخورد با قدرت‌های داخلی به دست آورد و یکی از علل ایجاد سلفی‌گری سیاسی است. یکی از ریشه‌های سلفی‌گری، بازگشت به آیات نظامی قرآن و تاریخ نظامی اسلام از یکطرف و حمایت برخی کشورها مثل آل سعود می‌باشد که در واقع سلفی‌گری را در راستای منافع خود، استفاده نموده‌اند. از طرفی دیگر حفظ منافع آمریکا در مقابل سوسیالها، قداست سلف برای اهل سنت و قدرت سیاسی شیعه در منطقه خاورمیانه را از مهمترین ریشه‌های رشد و نفوذ سلفی‌گری سیاسی در خاورمیانه، باید قلمداد نمود. گفتمان انقلاب اسلامی به شیعیان لبنان، یمن و عراق، این جرأت و جسارت را داد تا ضمن ابراز هویت خویش، حضور خود را برای دیگران محسوس و ملموس سازند. گفتمان مقاومت منبث از انقلاب اسلامی در عراق نوین، اندیشه سیاسی شیعه را متحول و آن را معطوف به قدرت نموده و به حالت گفتمانی درآورده است. در نهایت توسعه گفتمان مقاومت شیعی در عراق، جنوب لبنان و یمن، باعث بازتولید جریانهای متنوعی از سلفی‌گری شده است که در تعارض با این گفتمان، تاکنون نتوانسته است، به توسعه منسجم و ایجاد گفتمانی غالب تبدیل گردد و ابعادی از تزلزل محیط امنیتی را برای غرب آسیا، گسترش داده است.

#### منابع

- اسپوزیتو، ج. (۱۳۸۲). *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، مترجم محسن مدیرشان هجی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- الگار، ح. (۱۳۶۲). *نهیض بیداری در جهان اسلام*. ترجمه محمد مهدی جعفری، تهران: شرکت سهامی انتشار و انتشارات فرهنگ.
- ایمانی، ع. ابوزهرة، م. (۱۳۸۸). سلفیان. در مجموعه مقالات فرق‌تسنن، مهدی فرمانیان، چاپ سوم، قم: نشر ادیان البوطی، م. (۱۳۸۷). سلفیه بدعت یا مذهب. ترجمه حسین صابری، چاپ چهارم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی بشیر، ح. (۱۳۹۰). تاریخ فرهنگی سلفیه: از متن‌گرایی تا زمینه‌گرایی. در بنیادگرایی و سلفیه: بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی. حسین هوشنگی و احمد پاکتیچی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق
- بصیری، م؛ باقری، م. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی گفتمان مقاومت اسلامی حزب الله لبنان و گفتمان سلفی تکفیری. فصلنامه علمی تخصصی راه فرهنگ و سیاست. شماره ۶ سال سوم.
- بشیر، ح. (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان درجیهای بری کشف ناگفته‌ها، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).



- حسینی زاده، م. (۱۳۸۶). اسلام سیاسی در ایران، قم، انتشارات دانشگاه مفید.
- درایسدل، آلاسیدر؛ ب، جرالده. اچ. (۱۳۸۶). جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میر حیدر (مهاجرانی)، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- رئیس کرمی، ع. ۱۳۸۰. سید جمال‌الدین اسدآبادی و هم بستگی جهان اسلام، زاهدان: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت بلوچستان.
- زرقانی، س؛ احمدی، ا. (۱۳۹۶). شیعه هراسی به مثابه قلمروسازی گفتمانی محور غربی - عربی در بحرانهای ژئوپلیتیکی خاورمیانه؛ مطالعه موردی بحران سوریه، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سیزدهم، شماره ۱، ۱-۳۰.
- ستوده، ع؛ کیانی، آ. (۱۳۹۷). تأثیر منازعات داخلی سوریه و عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره چهارم.
- سوزنگر، س. (۱۳۸۳). اندیشه‌های سیاسی سید قطب. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سید قطب، ع. (۱۳۷۸). نشانه‌های راه. ترجمه محمود محمودی، تهران: نشر احسان.
- شیروانی، م. (۱۳۸۹). قدرت نرم حزب الله، پیامدهای سیاسی و امنیتی جنگ ۳۳ روزه، تهران، انتشارات دانشگاه صادق.
- علی زاده موسوی، س. (۱۳۹۱). بیداری اسلامی، ویراست دوم، تهران: معاونت آموزش بعثه مقام معظم رهبری در سازمان حج و زیارت.
- علیزاده موسوی، س. (۱۳۹۲). (مکتب دیوبند، قم: دفتر تبلیغات اسلامی).
- عابدی، ا. (۱۳۹۰). توحید و شرک در نگاه شیعه و وهابیت. چاپ اول، تهران: انتشارات مشعر.
- عدالت‌نژاد، س؛ نظام‌الدینی، س. (۱۳۹۰). سلفیان تکفیری یا جهادیون: خاستگاه و اندیشه‌ها. فصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی، شماره سیزدهم،
- علیزاده موسوی، م. (۱۳۸۹). سلفی‌گری و وهابیت. جلد اول: تبارشناسی. چاپ دوم، تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.
- فرمانیان، م. (۱۳۸۸). گرایش‌های فکری سلفیه در جهان امروز. فصلنامه مشکات، شماره ۱۰۴، پائیز.
- قاسمی، بهزاد. (۱۳۹۷). ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی، فصلنامه آفاق امنیت، سال یازدهم، شماره ۳۸.
- گلشنی، ع؛ باقری، م. (۱۳۹۱). جایگاه حزب الله در استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۱، ۱۲۳-۱۵۶.
- مظاهری، م. (۱۳۹۸). نقش و جایگاه ایران در سیستم امنیتی خلیج فارس، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره اول.
- مختار، ص. (بی تا). تاریخ المملكة العربیة السعودیة فی ماضیها و حاضرها، جلد ۳، دار مکتبه الحیاه
- محمد محیی‌الدین، عبدالحمید ۱۴۱۶ ه. ق. الفرق بین الفرق. بیروت: المطبعة العصریة.
- محمد، ا. (۱۴۰۶ ه. ق.). تاریخ المملكة العربیة السعودیة، تهران: مکتبه الریاض الحدیثه.
- المسعری، م. (۲۰۰۴). التوحید اصل الاسلام و حقیقه التوحید، التجدید الاسلامی لندن.



نادری، م. (۱۳۸۶). چگونگی روند دولت سازی در عراق پس از صدام و مایه‌های ناامنی، «مجله سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۳۷.

هزران، ی. (۱۳۹۰). شیعیان در لبنان: از حاشیه تا مرکز، در حزب الله لبنان سیاست، قدرت و اقتدار، ترجمه سیدحسین موسوی و عسگر قهرمان پور، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

هاشمی، م. (۱۳۸۰). *اقبال لاهوری، بیدارگر شرق*. زاهدان: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت بلوچستان. وهبه، ح. (بی تا). *جزیره العرب فی قرن العشرين*، ب یجا: الافاق العربیه.

Buzan, B. (1998). "People, States & Fear: An Agenda for International Security Studies in the Post – Cold war Era". London: Harvester wheatsheaf publication.